

راهکارهای رفع و خنثی‌سازی سانسور متا علیه سردار شهید قاسم سلیمانی^۱

علیرضا هاشم زادگان^۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۶

چکیده

به دنبال اقدامات ضدّ ایرانی دولت ترامپ در تروریستی اعلام‌کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و متعاقباً ترور سپهبد قاسم سلیمانی، شبکه‌های اجتماعی زیرمجموعه‌ی شرکت متا (فیس‌بوک و اینستاگرام) اقدام به سانسور بی‌سابقه‌ی مطالب مرتبط با سردار سلیمانی و حذف گسترده‌ی حساب کاربران ایرانی کردند. این مقاله به دنبال آن است که مشروعیت حذف مذکور را با اتکا به مواضع و مقررات اعلامی متا و همین‌طور قوانین مختلف و رویه قضایی در آمریکا بررسی کرده تا برای رفع و خنثی‌سازی آن راهکار ارائه دهد. از این رو، پژوهش تحلیلی حاضر از نوع اسنادی بوده و روش گردآوری اطلاعات در آن کتابخانه‌ای است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که نفس حضور اعضای سپاه (ازجمله شهید سلیمانی) در شبکه‌های اجتماعی آمریکایی و همچنین انتشار مطالب به‌وسیله سایر کاربران در حمایت از آن‌ها به لحاظ قانونی با هیچ محدودیتی مواجه نیست. بنابراین، ادعای متا یا دولت آمریکا مبنی بر وجود وظیفه و الزام قانونی در این باره دروغین و بی‌اساس است. ضمن اینکه برخی از مصادیق این حذف حتی با مقررات داخلی متا نیز مغایرت دارد. در نهایت، این پژوهش با جمع‌آوری ادله‌ای متقن ثابت می‌کند که ما در خصوص محدودیت‌های متا علیه سردار سلیمانی و سپاه با نمونه‌ای از حذف دولتی مواجه هستیم که در نظام حقوقی آمریکا غیرقانونی و قابل پیگیری است. فلذا، در صورت استفاده از راهکارهای پیشنهادی به‌وسیله این مقاله می‌توان شرکت متا را ملزم به رفع حذف مذکور کرد و به محدودیت انتشار مطالب مرتبط با شهید سپهبد سلیمانی و موارد مشابه در اینستاگرام و فیس‌بوک پایان داد.

واژه‌های کلیدی

آزادی بیان، سانسور اینترنت، ایالات متحده آمریکا، اینستاگرام، فیس‌بوک، شهید سپهبد قاسم سلیمانی.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول).

a_hashemzadegan@sbu.ac.ir

مقدمه

در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۹۸، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در سلسله اقدامات ضدّ ایرانی خود تحت عنوان «کارزار فشار حداکثری»، از درج نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی این کشور خبر داد. پس از یک هفته نیز، تصمیم مزبور در روزنامه‌ی رسمی فدرال آمریکا ثبت گردید و جنبه‌ی قانونی یافت. متعاقباً شبکه اجتماعی اینستاگرام در همراهی با این اقدام و در عرض چند ساعت، صفحه منتسب به سردار سپهبد قاسم سلیمانی (فرمانده وقت نیروی قدس سپاه) را با ۸۸۸ هزار دنبال‌کننده مسدود کرد. این سکوی نشر در ادامه نیز صفحات متعددی از جمله حساب‌های کاربری منتسب به فرماندهان نظامی و حتّی برخی مقامات کشور را بست. گزارش‌های اولیه در این دوره‌ی زمانی حاکی از آن است که فقط ظرف دو-سه روز ابتدایی، بیش از ۵ هزار صفحه‌ی فُعال و انقلابی مسدود شد و حتّی در مواردی پست‌هایی انتقادی درباره‌ی تصمیمات دولت آمریکا و اینستاگرام نیز حذف شدند (وطن امروز، ۱۳۹۸).

حدود ۹ ماه بعد، وقتی در ۱۳ دی ماه دولت آمریکا در یک عملیات تروریستی سردار سلیمانی را به شهادت رساند، مردم ایران برای اعلام واکنش به اینستاگرام سرازیر شدند! اما صاحبان این سکوی نشر موج بزرگ‌تری از حذف را کلید زده، شروع به حذف کلیه‌ی مطالب کاربران ایرانی درباره‌ی شهید سلیمانی کردند. این اقدام اینستاگرام که تاکنون موجب حذف پست‌ها و صفحات کاربری رسانه‌ها و شهروندان ایرانی بی‌شماری شده، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های حذف و نقض حق آزادی بیان در تاریخ شبکه‌های اجتماعی است. گستردگی، چالش‌ها و سستی مبانی این سانسور به حدّی است که متا تا به حال هرگز حاضر نشده درباره‌ی آن هیچ اطلاعاتی منتشر کند. برخلاف موارد مشابه که این شرکت با آب و تاب گزارش‌هایی را از مبارزه ادّعایی‌اش با تروریسم منتشر کرده است (Gorwa et al., 2020). وسعت اعمال این حذف تا آنجاست که اینستاگرام در یک مورد مشهور حتّی پست «پیام تبریک بابت ازدواج خانم زینب سلیمانی» را که در آن هیچ تصویری از شهید سلیمانی یا اشاره‌ای به نام ایشان وجود ندارد، حذف کرد. (الف، ۱۳۹۹).

۱. این سکوی نشر پرکاربردترین شبکه اجتماعی در ایران بوده و طبق آخرین آمار ۵۳ درصد مردم از آن استفاده می‌کنند. (ایسپا، ۱۴۰۰).

برای فهم دقیق اهمّیت محدودیت‌های متا لازم است تا افزون بر ابعاد حقوق بشری در نقض آزادی بیان ایرانیان، به آثار این حذف و اهداف بانیانش توجه کنیم. به طور کلی، محدودیت علیه انتشار محتوای مرتبط با سپاه همزمان چندین هدف را دنبال می‌کند: اول اینکه در راستای راهبرد اصلی آمریکا در حذف مؤلفه‌های قدرت ایران، سپاه را از نظر اجتماعی با چالش محدودیت و انزوا مواجه می‌کند؛ دوم اینکه به شکل گسترده‌ای صداهای انقلابی و مؤثر در دفاع از کشور را از یکی از بسترهای ارتباطی اصلی در ایران حذف می‌کند تا راه برای پیشبرد سیاست‌های ضدّ ایرانی هموار شود؛ سومین هدف یاد شهیدان و اثرگذاری خون آنها را که ذاتاً موجب بیداری جامعه می‌گردد، با مانع مواجه می‌سازد؛ چهارم اینکه جلوی اطلاع‌رسانی به مردم درباره‌ی توان دفاعی کشور از طریق انتشار اخبار و تصاویر عملیات‌ها و رزمایش‌های غرورآفرین سپاه را می‌گیرد؛ در پنجمین هدف با تهدید و ایجاد ترس بابت حذف حساب کاربران ایرانی، آنها را به خودسانسوری می‌کشاند که در نتیجه می‌تواند حذف دیدگاه آنان را از مباحثات اجتماعی به همراه داشته باشد. ششمین هدف این است که برای دشمن این بهانه و دستاویز را فراهم می‌کند که به سادگی رسانه‌های داخلی را به خاطر نقض قوانین اینستاگرام محدود کند؛ مثلاً نام آنها را از فهرست‌های جست و جوی کاربران حذف کند تا دسترسی عمومی به آنان کاهش یافته و در نتیجه رسانه‌های بیگانه‌ای همچون بی‌بی‌سی، منوتو و ایران اینترنشنال به عنوان منابع خبری اصلی به مردم ایران تحمیل شوند؛^۱ در نهایت و مهم‌تر از همه نیز، دشمن با حذف روایت ایرانیان در خصوص مسائل حیاتی همچون شخصیت و ترور شهید سلیمانی، برای خود و رسانه‌هایش «انحصار روایتی» ایجاد می‌کند.

در واکنش به این حذف‌ها، تاکنون مقامات و مجموعه‌های متعدّدی در کشور از پیگیری و اتخاذ تصمیم برای مقابله با چنین محدودیت‌هایی خبر داده‌اند؛ که اهمّ اقدامات صورت‌گرفته به‌وسیله آنها به شرح زیر است:

۱. نباید فراموش کرد که پس از ترور شهید محسن فخری‌زاده نیز مطالب مرتبط با این شهید سانسور شد؛ امری که در آینده نیز هزینه‌های ترور را برای رژیم‌های آمریکا و اسرائیل کاهش خواهد داد.
۲. هم‌اکنون صفحات رسانه‌های بسیاری از جمله سازمان صداوسیما و همچنین خبرگزاری‌های فارس، تسنیم و ایرنا در اینستاگرام با محدودیت‌های الگوریتمی و... مواجه‌اند که موجب کاهش دسترسی به صفحات و مطالب آنها شده است.

❖ مرکز ملی فضای مجازی در ۲۸ فروردین ۱۳۹۸ با انتشار بیانیه‌ای پایای درخواست کرد: «نهادهای مسئول

با توجه به جایگاه خود در حوزه دیپلماتیک و حقوق و روابط بین‌الملل، اقدامات حقوقی لازم برای طرح شکایت و پیگیری احقاق حقوق سلب‌شده از مردم عزیز کشور به عمل آورند.» (ایسنا، ۱۳۹۸)

❖ محمدجواد آذری جهرمی، وزیر سابق ارتباطات، در موج اول حذف (فروردین ۱۳۹۸) به انتشار توییتی با نقل‌قول از مجموعه‌ی «بازی تاج و تخت» بسنده کرده و در موج دوم (دی ۱۳۹۸) نیز اعلام کرد که «قطعاً مقابل این حرکت خواهیم ایستاد.» همزمان معاون وی (امیر ناظمی) هم وعده داد: «در پاسخ به اقدامات اینستاگرام در حذف مطالب کاربران ایرانی رویکرد منفعلانه نخواهیم داشت.» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۹)

❖ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دوازدهم، به دنبال موج دوم حذف، از ایجاد صفحه‌ای ویژه در وبگاه این وزارتخانه به منظور ثبت دعای حقوقی کاربران اینستاگرام خبر داد و از مردم درخواست کرد «تا اطلاعاتی درباره‌ی تعداد دفعاتی که پست آن‌ها در این شبکه حذف شده و نیز محتوای پستی را که حذف شده است، به همراه متن مختصری از شکایت خود از این شبکه‌ی اجتماعی به ثبت برسانند.» به گفته‌ی این وزارتخانه، «پس از پایان آخرین مهلت ثبت شکایات، مرکز ملی فضای مجازی به عنوان عالی‌ترین نهاد سیاستگذار در حوزه‌ی فضای مجازی، از طریق مجامع حقوقی بین‌المللی، روند حقوقی شکایت از اینستاگرام را پیگیری خواهد کرد و در سطح ملی نیز اقدامات حقوقی و سیاستگذاری‌های لازم را دنبال خواهد کرد.» (تابناک، ۱۳۹۸)

❖ کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه و دبیر ستاد حقوق بشر، در دومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی با انتشار توییتی به زبان انگلیسی! «مردم سراسر جهان، به ویژه هموطنان ایرانی» را تشویق کرد تا شکایات و اعتراضات خود نسبت به اینستاگرام را «برای گزارشگر ویژه ارتقا

راهکارهای رفع و خنثی‌سازی سانسور متا علیه سردار شهید قاسم سلیمانی

و حمایت از آزادی نظر و بیان، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و رئیس شورای حقوق بشر ارسال کنند.» (ایرنا، ۱۴۰۰)

❖ مدیرکل حقوقی وزارت ارتباطات در دولت سیزدهم به مناسبت دومین سالگرد ترور شهید سلیمانی

نامه‌ای خطاب به مارک زاگربرگ (مالک یهودی متا)، آدام موسری (مدیر اسرائیلی اینستاگرام) و جسیکا روزن وورسل (رئیس کمیسیون ارتباطات فدرال ایالات متحده) نوشت و خواستار ارائه‌ی پاسخ فوری و توضیح در خصوص این سانسور شد. (تسنیم، ۱۴۰۰).

بازخوانی این اقدامات و نتایج آنها (؟) گویای آن است که به‌رغم اهمیت فوق‌العاده‌ی مبارزه با این حذف، مسئولان مربوطه چقدر از عمل به وظیفه خود دور بوده‌اند؛ همان وظیفه‌ای که رهبر انقلاب در واکنش به «برخورد با اسم شهید سلیمانی در فضای مجازی» از آن به نتیجه‌ی یاد کردند که «مسئولین فضای مجازی کشور... بفهمند چه کار باید بکنند، تا دشمن نتواند هر جور دلش می‌خواهد یا هر جایی که دلش می‌خواهد رفتار کند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰)

با توجه به آنچه گفته شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا برای رفع و خنثی‌سازی حذف متا علیه شهید سلیمانی راهی وجود دارد؟ برای پاسخ به سؤال مذکور، لازم است به این پرسش‌های فرعی نیز پاسخ داد که آیا حذف اعمالی با مقررات داخلی متا و قوانین ایالات متحده مطابقت دارد؟ چنین محدودیت‌هایی مصداق حذف خصوصی هستند یا دولتی؟ و همین‌طور آیا این حذف از منظر قانونی در نظام قضایی آمریکا قابل پیگیری است؟

در راستای پاسخگویی به پرسش‌های بالا، این پژوهش به استخراج و گردآوری مواضع و مقررات اعلام شرکت متا در خصوص حذف مورد بحث پرداخته و سپس

۱. اگرچه نفس نگارش و ارسال این نامه درخور ستایش است؛ جای سؤال دارد که چرا در نامه‌ی مزبور هیچ استدلال حقوقی و اشاره‌ای به قوانین آمریکا یا حتی مقررات اینستاگرام که بعضاً مغایر حذف اعلامی است، وجود ندارد! همین‌طور، در برخی از بخش‌های نامه‌ی مذکور مطالب نادرستی آمده که نشان از بی‌اطلاعی مقامات مربوطه در وزارت ارتباطات دارد؛ مثلاً این ادعای نادرست که «تا لحظه‌ی نگارش این نامه، هیچکدام از رسانه‌های خبری ایالات متحده خبر این حذف گسترده اینستاگرامی علیه کاربران خود را منعکس نکرده‌اند.»

قوانین و رویه‌ی قضایی آمریکا را در حوزه‌ی مبارزه ادعایی با تروریسم بررسی می‌کند. در نهایت نیز پس از نتیجه‌گیری از این یافته‌ها، راهکارهای مشخصی برای رفع و خنثی‌سازی محدودیت‌های اعمالی علیه شهید سلیمانی و سپاه ارائه خواهد شد.

پیشینه‌ی پژوهش

ادبیات موجود نشان می‌دهد که موضوع حذف و نقض آزادی بیان به‌وسیله شبکه‌های اجتماعی آمریکایی

تاکنون جایی در پژوهش‌های داخلی نداشته است. با این حال، از منظر بین‌المللی شرایط کاملاً متفاوت بوده و در سال‌های اخیر به دنبال افزایش فزاینده‌ی محدودیت‌های اعمالی از طرف این رسانه‌ها، تحقیقات متعددی در این خصوص انجام شده است. در یکی از موارد بسیار برجسته، لند (۲۰۱۹) به چنین محدودیت‌هایی عنوان «حذف خصوصی‌سازی شده» داده و آن را محصول تلاش هوشمندانه‌ی دولت‌ها جهت هدف قرار دادن سخنانی می‌داند که خودشان نمی‌توانند به‌طور قانونی آنها را حذف کنند. البته از آنجا که دولت‌ها در این مسیر از کنترل، دستور و فشارهای غیررسمی علیه شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، لند نتیجه گرفته است که حذف خصوصی‌سازی شده «خود اقدامی دولتی است که باید با قوانین حقوق بشر مطابقت داشته باشد».

در این باره عقاید مشابهی نیز به‌وسیله دیگران ابراز شده است تا جایی که در آمریکا «تعدادی از حقوق‌دانان استدلال کرده‌اند دادگاه‌ها باید سکوه‌های نشر رسانه‌های اجتماعی را معادل بازیگران دولتی بدانند.» (پژن، ۲۰۱۹) پژن همین‌طور در تحلیل ماهیت حقوقی محدودیت‌های اعمالی به‌وسیله شبکه‌های اجتماعی علیه آزادی بیان، دو چارچوب احتمالی دیگر را نیز ترسیم می‌کند. در چارچوب دوم، رسانه‌های اجتماعی در قالب صنایع خاصی مانند پخش‌کننده‌های رسانه‌ای دسته‌بندی می‌شوند که با توجه به لزوم حفاظت از دسترسی عمومی کاربران، به این صنایع اجازه‌ی محدودسازی آزادی بیان داده شده است. در چارچوب سوم نیز که مطابق با رویه‌ی حاکم در نظام قانونی آمریکا است، شبکه‌های اجتماعی بازیگران خصوصی‌ای تلقی شده‌اند که در تصمیمات خود مانند صلاحیت تحریریه‌ها و سردبیران مطبوعات، «از حمایت کامل متمم اول [قانون

اساسی] برخوردارند.» به عبارت ساده‌تر، بر اساس رویه و قوانین کنونی، تصمیم‌گیری شبکه‌های اجتماعی در خصوص اینکه چه محتوایی در سکوه‌های نشری آنان منتشر شده یا حذف گردد، خود نوعی بیان بوده که مشمول تضمین‌های حمایتی متّمم اوّل از آزادی بیان است.

از قضا در همین چارچوب سوم که نوعی حمایت از محدودسازی آزادی بیان به‌وسیله شبکه‌های اجتماعی است، ظرفیت قانونی بسیار خوبی برای ما نهفته است که موجب می‌شود دولت آمریکا قانوناً نتواند با دستور و اعمال فشار سکوه‌های نشر را محبور به حذف کند. این همان چیزی است که توییتر در پرونده‌ی «فیلدز علیه توییتر»^۱ بدان توشل جسته و استدلال کرده است که تصمیمات تحریریه‌ای رسانه‌های اجتماعی از طریق اعلام و اعمال مقررات داخلی‌شان صورت می‌گیرد.

بر این اساس مشخصاً پیرامون موضوع این مقاله یعنی تروریسم، از رأی دیوان عالی^۲ در پرونده «شرکت انتشاراتی میامی هیرالد علیه تورنیلو»^۳ این‌گونه نتیجه گرفته شده است که حتّی «اگر یک نهاد مطبوعاتی عالمّاً اجازه انتشار تبلیغات و حمایت از یک سازمان تروریستی خارجی یا شخصی به نمایندگی از آن را بدهد، ولو این ایده‌ها برای جذب یا الهام بخشیدن به طرفداران بیشتری طراحی شده باشد، چنین تصمیمی به‌وسیله نهاد مطبوعاتی مربوطه باید از منظر قانون اساسی مورد حمایت قرار گیرد. [در نتیجه] فیسبوک، توییتر و دیگر شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی با توجّه به مبانی بیانی متّمم اوّل باید در بیشتر موارد از تعقیب کیفری به خاطر حمایت مادی از تروریسم مصون باشند.» (VanLandingham, 2017)

چارچوب نظری

بررسی مشروعیت قانونی حذف اعمالی به‌وسیله شبکه‌های اجتماعی را باید در چارچوب دو نظریه انجام داد: «دکترین آزادی بیان متّمم اوّل»^۴ و «دکترین اقدام دولتی»^۵. در متّمم اوّل قانون اساسی ایالات متحده آمده است که «کنگره نباید

1. Fields v. Twitter
2. Supreme Court
3. Miami Herald Publ'g Co. v. Tornillo
4. First Amendment Free Speech Doctrine
5. State Action Doctrine

در خصوص محدودسازی آزادی بیان قانونی وضع کند.» طبق قواعد حقوق اساسی در آمریکا، این مقرره همچون سایر تضمین‌های قانون اساسی در این کشور علاوه بر کنگره، تمام دستگاه‌های حکومتی و دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی را هم دربرمی‌گیرد. در نتیجه، متمم اول قانوناً باید مانع از این شود که نهادهای حکومتی این کشور بتوانند آزادی بیان افراد را محدود کنند.

با این حساب، هرگونه ادعای نقض قانون اساسی در محاکم با این سؤال آغاز می‌شود که آیا رفتار متخلف مشمول حمایت‌های قانون اساسی است یا خیر؟ این بدان دلیل است که قانون اساسی فقط در مورد فعل یا ترک فعل بازیگران دولتی اعمال شده و نمی‌تواند رفتار بازیگران خصوصی را محدود کند. در حقوق آمریکا، به تمایز مذکور بین اقدام عمومی و خصوصی دکتترین اقدام دولتی گفته می‌شود.

حال از آنجا که طبق قوانین و تفاسیر کنونی حاکم بر دستگاه قضایی آمریکا، شرکت‌های مالک شبکه‌های اجتماعی بازیگران خصوصی به شمار می‌آیند، به طور کلی دعاوی حذف علیه این شرکت‌ها نمی‌توانند از تضمین متمم اول برای حمایت از آزادی بیان بهره‌مند شوند. از همین روست که عموماً وقتی شاکیان در آمریکا از سکوه‌های نشر شبکه‌های اجتماعی به خاطر حذف پست‌ها و حساب‌های کاربری‌شان شکایت می‌کنند، محاکم فدرال این شکایت‌ها را رد می‌کنند.

اگرچه دیوان عالی هم به شکل مشابهی در استناد شکایت‌ها به متمم اول، اقدام دولتی را الزامی می‌داند؛ همین دیوان در شرایط خاصی، اجازه داده که دعاوی مستند به متمم اول علیه طرف‌های به ظاهر خصوصی که آزادی بیان را محدود می‌کنند نیز اقامه شود. (Marsh v. Alabama, 1946). به علاوه، لازم به ذکر است که دادگاه‌های ایالتی مجبور نیستند که هنگام تفسیر بند آزادی بیان قانون اساسی ایالت خود از دکتترین اقدام دولتی پیروی کنند. دیوان عالی ایالات متحده نیز تأیید کرده است که قوانین اساسی ایالتی در این باره می‌توانند علیه برخی بازیگران نیز خصوصی اعمال شوند. ایالتی در این باره می‌توانند علیه برخی بازیگران نیز خصوصی اعمال شوند. (Pruneyard Shopping Center v. Robins, 1980). فلذا، در شکایت علیه شبکه‌های اجتماعی حذف کننده ممکن است بتوان از تضمین‌های قوانین مذکور در ایالت‌ها نیز بهره برد.

روش پژوهش

با عنایت به هدف پژوهش حاضر، لازم است تا از یک سو کلیه مواضع مسئولان شرکت متا و مقررات اعلامی آن را از سال ۲۰۱۸ کاوش کرد و از سوی دیگر نیز به جست‌وجو در میان قوانین کنونی و رویه‌ی قضایی آمریکا در حوزه‌ی تروریسم پرداخت. فلذا، این پژوهش از نوع اسنادی بوده و روش گردآوری اطلاعات در آن کتابخانه‌ای است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت کلیه‌ی یافته‌های جمع‌آوری شده در چهار بخش مجزا ارائه می‌گردد که همگی در حکم مستندات جهت پیگیری سانسور متا علیه شهید سلیمانی به شمار می‌آیند. (چه برای پژوهش حاضر و چه برای پژوهش‌ها و اقدامات آتی دیگران).

مواضع مقامات متا درباره حذف سردار سلیمانی و سپاه

بررسی مواضع اعلامی مقامات فیسبوک و اینستاگرام در خصوص حذف شهید سلیمانی و سپاه برخی از حقایق پشت صحنه در اعمال این محدودیت را عیان خواهد ساخت. از همین در ادامه کلیدی‌ترین یافته‌های جمع‌آوری شده از مواضع اعلامی سکوه‌های نشر متا در رابطه با حذف مذکور، به صورت دسته‌بندی شده ارائه می‌گردد.

موج اول حذف - درج نام سپاه در فهرست تروریسم (فروردین ۱۳۹۸)

درج نام سپاه در فهرست تروریسم، زمینه‌ساز موج گسترده‌ای از حذف حساب‌ها و مطالب کاربران ایرانی در بانه‌ی سپاه و سردار سلیمانی شد؛ اما شفاف‌سازی اینستاگرام پیرامون اقداماتش در این دوره صرفاً محدود است به توضیح واحد و مختصر یکی از سخنگویان این شرکت که در پاسخ به پرسش خبرنگاران رسانه‌های بین‌المللی ارائه شده است. این سخنگو که از قضا نام وی نیز اعلام نشده، روز چهارشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۸، به چند رسانه از جمله فرانس ۲۴، سی‌ان‌ان و رادیو اروپای آزاد/ رادیو آزادی، گفت: «ما در چارچوب الزامات قوانین تحریم‌های ایالات متحده عمل می‌کنیم. ما با مقامات دولتی مربوطه همکاری می‌کنیم تا

تضمین کنیم که به وظایف قانونی خود، جمله آنهایی که مربوط به اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان سازمان تروریستی [هستند، عمل می‌کنیم. « (RFE/RL, 2019; CNN, 2019; France24, 2019).

به شکل مشابهی، بی‌بی‌سی نیز عیناً همین عبارات را از قول یک سخنگوی اینستاگرامی منتشر کرد و نوشت که حذف حساب‌های کاربری منسوب به فرماندهان سپاه و تعدادی از مقامات ارشد شامل رئیس قوه قضائیه، از سوی اینستاگرام به عنوان «اقدامی به پیروی» از تحریم‌های ایالات متحده اعلام شده است. (BBC, 2019).

حدّ فاصل موج اول و دوم حذف - تحریم وزیر خارجه ایران (مرداد ۱۳۹۸)

در فاصله‌ی زمانی نه‌ماهه‌ی بین درج نام سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی آمریکا و ترور سردار سلیمانی، اگرچه در خصوص حذف حساب‌ها و محتواهای مرتبط با سپاه شاهد رخداد منحصر به فردی نیستیم؛ مروری بر یک تلاش ناموفق برای حذف وزیر امور خارجه ایران از شبکه‌های اجتماعی حاوی نتایج مهمی است. دولت آمریکا در تاریخ ۳۱ جولای ۲۰۱۹ (۹ مرداد ۱۳۹۸) محمدجواد ظریف (وزیر خارجه وقت ایران) را تحریم کرد. در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا در این باره آمده که قوانین تحریمی این کشور باعث می‌شود تا هرگونه معامله با فرد تحریم‌شده ممنوع بوده و تمام اموال و منافع حاصله وی گزارش و مسدود شود. از طرف دیگر نیز، ماده ۴ فرمان اجرایی ۱۳۸۷۶ ترامپ، که تحریم وزیر خارجه ایران به موجب آن انجام شده، مقرر می‌دارد هرگونه مشارکت در ارائه‌ی وجوه، کالا یا خدمات به نفع هر شخصی که به موجب این فرمان دارایی و منافع مالی وی مسدود شده، ممنوع است.

با اعمال این تحریم، به مرور زمره‌هایی از تلاش برای مسدودسازی حساب‌های کاربری وزیر خارجه ایران در توییتر، اینستاگرام و فیسبوک مطرح شد. به طور مشخص هم برخی عناصر آمریکایی ضدّ ایرانی در کنگره، اندیشکده بروکینگز^۱، بنیاد به‌اصطلاح دفاع از دموکراسی‌ها^۲ و.. حضور دکنتر ظریف در شبکه‌های اجتماعی را ناقض تحریم‌ها دانسته و خواهان ممنوعیت فعالیت وی بنا به دلایل قانونی شدند.

1. Brookings Institution

2. Foundation for Defense of Democracies

در همین بازه‌ی زمانی، شبکه دولتی صدای آمریکا به عنوان یکی از حربه‌های رسانه‌ای اصلی در پیشبرد فشار حداکثری علیه ایران، تلاش کرد که از طریق انتشار اخبار و گزارش‌های متعددی، با ایجاد مطالبه‌ی رسانه‌ای برای شکستن «سکوت آمریکا در برابر اخراج وزیر خارجه‌ی تحریم‌شده‌ی ایران از شبکه‌های اجتماعی» (Voice of America, 2019)، پروژه‌ی حذف آقای ظریف از شبکه‌های اجتماعی را پیش ببرد. پاسخ‌های ناامیدکننده‌ی مقامات مسئول در دولت آمریکا و شبکه‌های اجتماعی آمریکایی به این رسانه دولتی که در گزارش ۷ آگست (۱۶ مرداد) آن منتشر شده، دربرگیرنده‌ی ابعاد حقوقی مهمی است که در ادامه به پیشبرد موضوع اصلی این پژوهش کمک خواهد کرد:

❖ یکی از سخنگویان وزارت خارجه‌ی آمریکا در پاسخ به صدای آمریکا گفت: «توییتر و اینستاگرام

شرکت‌های خصوصی هستند. جهت سؤال درباره‌ی نحوه‌ی رسیدگی به حساب‌های فردی، ما شما را به آنها ارجاع می‌دهیم.» وی همچنین صدای آمریکا را برای هرگونه توضیح اضافی به وزارت خزانه‌داری ارجاع داد.

❖ مورگان اورتِگس^۱ (سخنگوی وزارت خزانه‌داری) از پاسخ به سؤال خبرنگار صدای آمریکا مبنی بر اینکه آیا ممنوعیت ارائه‌ی «خدمات» به آقای ظریف شامل ممنوعیت دسترسی وی به سکوهای نشر شبکه‌های اجتماعی آمریکایی می‌شود یا خیر، خودداری کرد.

❖ آیین پلانکت^۲ (مدیر ارتباطات خطمشی جهانی توییتر) نیز حاضر به پاسخ به صدای آمریکا نشد و گفت که شرکت متبوعش «به دلایل امنیتی و حفاظت از حریم خصوصی» درباره‌ی حساب کاربری افراد اظهار نظر نمی‌کند.

❖ استفانی اُتوی^۳ (مدیر ارتباطات خطمشی اینستاگرام) نیز به صدای آمریکا گفت که این شرکت قادر به پاسخگویی درباره‌ی حساب کاربری آقای ظریف نیست. اُتوی در پاسخ خود نوشته است: «برای جزئیات پیرامون الزامات

1. Morgan Ortagus
2. Ian Plunkett
3. Stephanie Otway

قانونی خاص حول دسترسی‌ای که سازمان‌های تروریستی خارجی و فهرست اتباع و افراد خاص تحریم‌شده به خدمات رسانه‌های اجتماعی دارند، من شما را به دفتر کنترل دارایی‌های خارجی یا وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده ارجاع می‌دهم.»

روی هم رفته، همان‌طور که این واکنش‌ها و عدم مسدودسازی حساب آقای ظریف نشان می‌دهند، گویا صرف قرار گرفتن نام یک فرد در فهرست تحریم‌های ایالات متحده برای حذف حساب کاربری فرد تحریم‌شده از شبکه‌های اجتماعی کافی نبوده است. مشخصاً درباره رهبر انقلاب، دفتر ایشان و آقای ظریف که همگی با استناد ترامپ به «قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی»^۲ (مصوب ۱۹۷۷) تحریم شده‌اند، لازم به ذکر است که این قانون صراحتاً بیان داشته: «اختیارات اعطایی به رئیس‌جمهور... شامل اختیار تنظیم یا ممنوعیت مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه ارتباط پستی، تلگرافی، تلفنی یا سایر ارتباطات شخصی که حاوی انتقال هیچ چیز با ارزشی نیستند، نمی‌شود.» در نتیجه، برخلاف برخی آمال و توهمات شبه‌قانونی در میان مجریان کمپین فشار حداکثری علیه ایران، چارچوب قانونی تحریم رهبری و آقای ظریف در فرمان اجرایی ۱۳۸۷۶ (یعنی قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی) اجازه‌ی اعمال حذف در شبکه‌های اجتماعی را نمی‌دهد.

موج دوم حذف - ترور سردار سلیمانی (دی ۱۳۹۸)

پس از به شهادت رساندن سردار سلیمانی در ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ (۳ ژانویه ۲۰۲۰) نیز اطلاع‌رسانی اینستاگرام صرفاً در قالب محدود پاسخ به پرسش رسانه‌ها صورت پذیرفت. در اولین مورد (در همان روز ترور) یکی از سخنگویان فیسبوک در پاسخ به بی‌بی‌سی فارسی با استناد به لزوم «رعایت قوانین تحریم آمریکا علیه ایران» گفت که علت حذف برخی پست‌های مرتبط با ترور سردار سلیمانی در این شبکه‌ی اجتماعی مربوط به تعهدات این شبکه در قبال تحریم‌های دولت آمریکا علیه ایران است. در جوابیه‌ای که سخنگوی فیسبوک برای بی‌بی‌سی ارسال کرده،

1. The Office of Foreign Assets Control (OFAC)

2. The International Emergency Economic Powers Act (IEEPA)

آمده است: «ما مطابق مقررات وضع‌شده در ارتباط با تحریم‌های آمریکا اقدام می‌کنیم که شامل تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و فرماندهان آن هم می‌شود.» به گزارش بی‌بی‌سی، فیسبوک در بخشی دیگر از پاسخ خود تشریح کرده که از سوی وزارت خارجه‌ی آمریکا فهرستی از سازمان‌های تروریستی دریافت کرده و موظف است همسو با تحریم‌های وضع‌شده حساب‌های کاربری منسوب به این سازمان‌ها و افراد را مسدود و پست‌هایی مربوط به آنها یا در ستایش و حمایت از آنها را حذف کند؛ چراکه چنین پست‌هایی همسو با فعالیت‌هایی تلقی خواهد شد که دولت آمریکا بر اساس آنها این سازمان‌ها و افراد را تحریم کرده است (BBC Persian, 2020).

یک هفته بعد، استفانی آنوی، سخنگوی فیسبوک در پاسخ به پایگاه خبری گُدا گفت: «ما طبق قوانین تحریم‌های ایالات متحده عمل می‌کنیم، از جمله آنهایی که مرتبط با [تروریستی] اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان آن به وسیله دولت ایالات متحده هستند.» (Coda Story, 2020).

سپس به شکل مفصل‌تری، سارا پولاک (سخنگوی فیسبوک) به روزنامه واشنگتن پست گفت: «ما محتواهایی را بررسی می‌کنیم که برخلاف سیاست‌هایمان، الزاماتمان در برابر قوانین تحریم‌های ایالات متحده و مشخصاً آنهایی که با شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان آن به عنوان سازمانی تروریستی مرتبط هستند، باشند.» (Washington Post, 2020)

در ادامه، سخنگوی فیسبوک در پاسخ به وایس نیوز اضافه کرد که دولت ایالات متحده در گذشته از فیسبوک خواسته است که علیه حساب‌های کاربری ایرانی مشخصی اقدام کند؛ اما او از ارائه‌ی جزئیات در این باره خودداری کرد. (News, 2020).

در همین رابطه، سخنگوی فیسبوک با ارسال بیانیه‌ای به ای‌بی‌سی استرالیا، ضمن اذعان به حذف پست‌ها و حساب‌هایی که به گفته این شرکت مغایر تحریم‌های آمریکا بودند، نوشت: «ما برای پیروی از این تحریم‌های [ایالات متحده]، حساب‌هایی را که به‌وسیله یا به نمایندگی از طرف تحریم‌شده اداره می‌شوند، حذف می‌کنیم و همین‌طور محتوای پست‌شده به‌وسیله دیگران را که از گروه یا

افراد تحریمی حمایت یا نمایندگی می‌کنند، هم حذف می‌کنیم.» (ABC, 2020) درنهایت، در گزارش وبسایت «بولتن دانشمندان اتمی» نیز سخنگوی فیسبوک اعلام داشت که قانون تحریم‌های ایالات متحده و مشخصاً محدودیت‌های مرتبط با فهرست تروریسم وزارت خارجه، این شرکت را ملزم می‌کند که نه تنها محتوای متعلق به افراد و گروه‌های تحریمی بلکه محتواهایی را که از یک گروه یا فرد تحریمی حمایت می‌کند هم حذف کند. (Bulletin of Atomic Scientists, 2020).

مقررات داخلی متا درباره افراد و سازمان‌های به اصطلاح خطرناک

فیسبوک و اینستاگرام از مهرماه ۱۳۹۷ (دسامبر ۲۰۱۸) مقررات اعلام‌شده‌ی عمومی درباره‌ی حساب‌ها و محتواهای مرتبط با تروریسم دارند. از آن تاریخ تاکنون، این مقررات اعلامی بارها به‌روز شده‌اند که حاصل آن مجموعاً ۱۱ نسخه‌ی مجزا تحت عنوان «دستورالعمل‌های انجمن»^۱ یا «موازین جامعه»^۲ در خصوص «افراد و سازمان‌های خطرناک»^۳ است. بررسی مقایسه‌ای بین تاریخ محدودیت‌های صورت‌گرفته علیه شهید سلیمانی و تغییرات اعمالی در مقررات داخلی متا گویای برخی از واقعیات سانسور متا است. فلذا در ادامه‌ی این بخش، مقررات داخلی این شرکت پیرامون افراد و سازمان‌های به اصطلاح خطرناک (Facebook, 2022) در گذر زمان مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

نسخه اول - ۲۸ دسامبر ۲۰۱۸ (۶ مهر ۱۳۹۷)

در اولین نسخه، به‌طور خلاصه و کلی آمده است که برای جلوگیری از آسیب‌های دنیای واقعی به افراد یا سازمان‌هایی که در «فعالیت تروریستی، نفرت سازمان‌یافته، قتل دسته‌جمعی یا زنجیره‌ای، قاچاق انسان و خشونت سازمان‌یافته یا فعالیت مجرمانه» دست داشته باشند، اجازه‌ی حضور در فیسبوک داده نمی‌شود. به‌علاوه، فیسبوک اعلام می‌دارد: «ما همین‌طور محتواهایی را هم که از گروه‌ها، رهبران یا افراد درگیر در این فعالیت‌ها حمایت یا ستایش کنند، حذف می‌کنیم.» فیسبوک هدف خود از این محدودیت‌ها را این‌چنین بیان کرده

1. Community Guidelines
2. Community Standards
3. Dangerous Individuals and Organizations

است: «ما نمی‌خواهیم سکوی نشری باشیم که خشونت را امکان‌پذیر یا به آن کمک می‌کند، بنابراین کسانی را که مأموریتی خشونت‌آمیز را اعلام می‌دارند، یا به خشونت می‌پردازند، از ادامه‌ی حضور در فیسبوک منع می‌کنیم.»

نسخه دوم - ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۹ (۵ مهر ۱۳۹۸)

در این تاریخ فیسبوک برای نخستین بار به تعریف عناصر سازمان‌ها و افراد خطرناک شامل عمل تروریستی، سازمان تروریستی، تروریست و بازیگر غیردولتی فعال در تروریسم می‌پردازد.

نسخه سوم - ۱۰ اکتبر ۲۰۱۹ (۱۸ مهر ۱۳۹۸)

پس از ۱۵ روز از ارائه‌ی نسخه‌ی دوم که تعاریف جامعی در آن مطرح شده بود، فیسبوک در یک عقب‌گرد آشکار تعریف عمل تروریستی، تروریست و سازمان تروریستی را از مقررات خود حذف کرد؛ در حالی که تعریف بازیگر غیردولتی فعال در تروریسم یا سایر شاخه‌های افراد و سازمان‌های خطرناک را بدون هیچ تغییری، دست‌نخورده باقی گذاشت. در نتیجه گویا هدف از ارائه‌ی نسخه‌ی سوم صرفاً حذف تعاریف داخلی‌اش از تروریسم بوده است.

نسخه چهارم ۲۷ فوریه ۲۰۲۰ (۸ اسفند ۱۳۹۸)

این نسخه که از قضا پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی تدوین و منتشر شده، دربرگیرنده‌ی مفصل‌ترین و شدیدترین مقررات فیسبوک در خصوص تروریسم است. نسخه‌ای که هم‌اکنون نیز متا علی‌رغم ویرایش‌های بعدی مقرراتش، مجدداً به آن بازگشته است. مهم‌ترین اقدام فیسبوک در این نسخه کنارگذاشتن تعاریف داخلی شرکت و حاکم‌کردن تعاریف دولتی و فهرست‌های تروریسم آمریکا بر خود است؛ امری که به‌کلی برخلاف رویه‌های اعلامی و ادعاهای قبلی این شرکت به عنوان یک نهاد مستقل غیردولتی بوده است. و مهم‌تر، اینکه هیچ‌کدام از شبکه‌های اجتماعی مشابه همچون توییتر هرگز حاضر نشده‌اند در تعریفشان مقررات و فهرست‌های دولت آمریکا را بر خود حاکم کنند.

سطح‌بندی افراد و سازمان‌های خطرناک

در نسخه‌ی مذکور، فیسبوک اشخاص و گروه‌های دخیل در خشونت یا تروریسم را از نظر میزان تأثیرشان بر آسیب‌های دنیای واقعی در سه سطح دسته‌بندی کرده است. سطح ۱ که گسترده‌ترین محدودیت‌ها را به دنبال دارد، به ادعای فیسبوک قرار است بر نهادهایی متمرکز باشد که به آسیب‌های آفلاین جدی می‌پردازند؛ شامل «سازماندهی یا حمایت از خشونت علیه غیرنظامیان، انسانیت‌زدایی مکرر یا حمایت از آسیب‌رساندن به افراد به خاطر ویژگی‌های مورد حمایتشان، یا مشارکت در عملیات‌های مجرمانه نظام‌مند.»

از نظر فیسبوک، نهادهای سطح ۱ عبارت است از سازمان‌های مروج نفرت، سازمان‌های مجرمانه و سازمان‌های تروریستی؛ که شرکت مورد اخیر را شامل «نهادهای و افرادی» دانسته که «به وسیله دولت ایالات متحده به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی^۱ (FTOs) یا ترویست‌های جهانی شناسایی شده به‌طور خاص^۲ (SDGTs) اعلام شده‌اند.» طبق مقررات این بخش، علاوه بر اینکه فیسبوک به افراد و سازمان‌های سطح ۱ اجازه حضور در سکوه‌های نشرش را نمی‌دهد، محتوای سایر کاربران در «ستایش، پشتیبانی اساسی و نمایندگی» از این نهادها یا رهبران، بنیانگذاران و اعضای برجسته‌شان را نیز حذف خواهد کرد.

مصادیق محتوای ممنوعه در ستایش، پشتیبانی اساسی و نمایندگی از افراد و سازمان‌های خطرناک

یکی دیگر از قسمت‌های جالب توجه در این نسخه از مقررات فیسبوک ارائه‌ی مصادیقی از محتوای غیرمجاز در حوزه تروریسم است که حدود و ثغور «ستایش، پشتیبانی اساسی و نمایندگی» ممنوعه را مشخص می‌سازد:

ستایش، به عنوان یکی از موارد زیر تعریف می‌شود:

- ❖ در مورد یک نهاد یا رویداد شناسایی‌شده مثبت صحبت کنید.
- ❖ به یک نهاد یا رویداد شناسایی‌شده حس موقّقت بدهید.

1. Foreign Terrorist Organizations
2. Specially Designated Global Terrorists

- ❖ مشروعیت بخشیدن به هدف یک نهاد شناسایی‌شده با ادّعی اینکه رفتار مروج نفرت، خشونت‌آمیز یا مجرمانه آنها از نظر قانونی، اخلاقی و غیره موجه یا قابل قبول است.
- ❖ اعلام همسویی ایدئولوژیک خود با یک نهاد یا رویداد شناسایی‌شده. پشتیبانی اساسی، به عنوان یکی از موارد زیر تعریف می‌شود:
- ❖ هر اقدامی که وضعیت مالی یک نهاد شناسایی‌شده را بهبود بخشد؛ از جمله انتقال پول به سمت یا از سوی یک نهاد شناسایی‌شده.
- ❖ هر اقدامی که حمایت مادی به یک نهاد یا رویداد شناسایی‌شده ارائه کند.
- ❖ اعلام فراخوان برای اقدام از طرف یک نهاد یا رویداد شناسایی‌شده.
- ❖ استخدام از طرف یک نهاد یا رویداد شناسایی‌شده.
- ❖ هدایت اطلاعات یا منابع، از جمله ارتباطات رسمی، از طرف یک نهاد یا رویداد شناسایی‌شده.
- ❖ نمایندگی، به عنوان یکی از موارد زیر تعریف می‌شود:
- ❖ بیان اینکه شما عضو یک نهاد شناسایی‌شده یا یک نهاد شناسایی‌شده هستید.
- ❖ ایجاد صفحه، پروفایل، رویداد، گروه یا سایر اجزای فیسبوک که متعلق به یک نهاد شناسایی‌شده یا مدّعی باشد که متعلق به آن بوده یا از طرف آنها اداره می‌شود، یا متعلق به یک رویداد شناسایی‌شده باشد یا چنین ادّعا کند.

استثنائات و ملاحظات در خصوص مطالب مرتبط با افراد و سازمان‌های خطرناک

در کنار موارد فوق، مقررات فیسبوک در این نسخه حاوی سه ملاحظه یا استثنای برجسته است:

اولاً فیسبوک ادّعا می‌کند که مطابق با قوانین بین‌المللی حقوق بشر،

خطمشی‌هایش «اجازه می‌دهد درباره حقوق بشری افراد شناسایی‌شده یا اعضای نهادهای خطرناک شناسایی‌شده بحث شود، مگر اینکه محتوا شامل سایر ستایش‌ها، پشتیبانی‌های اساسی یا نمایندگی‌هایی از نهادهای شناسایی‌شده یا سایر نقض‌های خطمشی مانند تحریک به خشونت باشد.»

ثانیاً این شرکت اعلام می‌دارد ممنوعیت محتوای حاوی ستایش، پشتیبانی اساسی و نمایندگی افراد و سازمان‌های خطرناک «حمایت مسالمت‌آمیز به منظور نتایج سیاسی معین را ممنوع نمی‌سازد.»

ثالثاً فیسبوک از یک طرف مدّعی می‌شود که خطمشی‌هایش به گونه‌ای طراحی شده‌اند که فضا را برای «بحث بی‌طرفانه» پیرامون سازمان‌ها و افراد خطرناک و فعالیت‌هایشان فراهم می‌کنند. با این حال، از طرف دیگر صراحتاً مقرر می‌کند که «ما افراد را ملزم می‌داریم تا هنگام ایجاد یا اشتراک‌گذاری چنین محتواهایی، نیتشان را به وضوح نشان دهند. اگر نیت کاربر مبهم یا نامشخص باشد، به طور پیش‌فرض محتوا را حذف می‌کنیم.»

نسخه پنجم - ۲۷ آگست ۲۰۲۰ (۶ شهریور ۱۳۹۹)

در حوزه تروریسم، تفاوت عمده این نسخه با نسخه قبلی حذف ملاحظه آزادی «حمایت مسالمت‌آمیز» از افراد و سازمان‌های خطرناک «به منظور نتایج سیاسی معین» است.

نسخه ششم - ۲۲ اکتبر ۲۰۲۰ (۱ آبان ۱۳۹۹)

تنها نکته قابل اشاره درباره‌ی نسخه‌ی ششم این است در آن، دو ملاحظه‌ی مهم باقی‌مانده از نسخه‌ی چهارم مبنی بر آزادی «بحث بی‌طرفانه» و صحبت درباره‌ی «حقوق بشری افراد شناسایی‌شده یا اعضای نهادهای خطرناک» حذف شده‌اند.

نسخه هفتم - ۲۳ ژوئن ۲۰۲۱ (۲ تیر ۱۴۰۰)

در این نسخه به شکل سؤال برانگیزی سطح‌بندی‌های سه‌گانه‌ی نسخه‌های قبلی و ارجاعات به فهرست‌های SDGT و FTO حذف شده است؛ هرچند بعدها مجدداً دوباره به مقررات فیسبوک اضافه شدند. البته فیسبوک در انتهای این

راهکارهای رفع و خنثی‌سازی سانسور متا علیه سردار شهید قاسم سلیمانی

نسخه توضیح می‌دهد که «این به‌روزرسانی در ختمش‌سازی سازمان‌ها و افراد خطرناک تغییرات اساسی‌ای ایجاد نکرده، بلکه قالب‌بندی را بازسازی می‌کند.» نکته قابل اشاره‌ی دیگر، بازگرداندن ملاحظه آزادی «حمایت مسالمت‌آمیز» از افراد و سازمان‌های خطرناک «به منظور نتایج سیاسی معین» است.

نسخه هشتم - ۲۶ آگست ۲۰۲۱ (۴ شهریور ۱۴۰۰)

فیسبوک در این نسخه مجدداً به مقررات نسخه‌ی چهارم بازگشته و سطح‌بندی‌ها و ارجاعات به فهرست‌های تروریسم آمریکا را احیا می‌کند. این شرکت در انتهای نسخه‌ی هشتم به شکل بسیار مهمی اعتراف می‌کند: «ما به منظور شفافیت، شیوه‌ی بیان خاصی را پیرامون تعهدات تحریمی‌مان در رابطه با دولت ایالات متحده که «سازمان‌های تروریستی خارجی (FTOs) و «ترویست‌های جهانی شناسایی‌شده به‌طور خاص» (SDGTs) را شناسایی کرده، اضافه کرده‌ایم.» به علاوه، در نسخه‌ی هشتم خبری از هیچ‌کدام از سه ملاحظه‌ی مورد تأکید در نسخه‌ی چهارم نیست.

نسخه نهم - ۱۵ اکتبر ۲۰۲۱ (۲۳ مهر ۱۴۰۰)

این نسخه به جز بازگرداندن ملاحظه‌ی آزادی «بحث بی‌طرفانه» و برخی تغییرات بسیار جزئی که به تروریسم مرتبط نیستند، تقریباً تکرار نسخه‌ی چهارم و هشتم است.

نسخه دهم - ۲۴ نوامبر ۲۰۲۱ (۳ آذر ۱۴۰۰)

پس از بازگشت ملاحظه آزادی «بحث بی‌طرفانه» در نسخه قبلی، دو ملاحظه آزادی صحبت درباره «حقوق بشری افراد شناسایی‌شده یا اعضای نهادهای خطرناک» و آزادی «حمایت مسالمت‌آمیز» از آنها «به منظور نتایج سیاسی معین» نیز بار دیگر به مقررات فیسبوک اضافه شدند.

نسخه یازدهم (کنونی) - از ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱ (۲ دی ۱۴۰۰)

در حوزه تروریسم، این نسخه تفاوت محسوسی با نسخه‌های قبلی نداشته و به نوعی یک بازگشت کامل به نسخه چهارم محسوب می‌شود که تماماً تکرار

همان عبارات، سطح بندی‌ها، مصادیق و ملاحظات است. فلذا با احتساب اینکه ذیل توضیحات نسخه چهارم در این مقاله، تمام ابعاد مهم مقررات کنونی مورد اشاره قرار گرفتند، به همان مطالب بسنده می‌کنیم.

قوانین آمریکا در خصوص تحریم سردار سلیمانی و سپاه به اتهام دروغین تروریسم

همان‌طور که دیده شد، یکی از مستمسک‌های اعمال حذف علیه سردار سلیمانی، استناد به تحریم‌های دولت ایالات متحده علیه سپاه به اتهام واهی تروریسم و متعاقباً زدن برچسب تروریستی SDGT و FTO به این نهاد ملی و دفاعی ایران بوده است. فلذا جهت نقد و بررسی استنادات صورت گرفته، لازم است آثار قانونی تحریم‌ها و برچسب‌های مذکور را مرور کنیم.

آثار تحریم به موجب فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ و برچسب SDGT

در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱ و به دنبال حادثه برج‌های دوقلوی نیویورک، جورج بوش با استفاده از «قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی» فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ را صادر کرد. این فرمان که فهرست اولیه‌ای از افراد و نهادهای تحریمی (همچون گروه القاعده و اسامه بن لادن) نیز به انتهای آن ضمیمه شده است، به وزارت خارجه و خزانه‌داری اجازه می‌دهد که در آینده هم اشخاص و مجموعه‌های دیگری را در رابطه با تروریسم تحریم کنند. محدودیت‌های ناشی از این رژیم تحریمی عبارت است از:

- ❖ توقیف تمام دارایی‌ها و منافع تحریم‌شدگان که در آمریکا باشند، به آمریکا بیایند، یا به اختیار و کنترل آمریکا در بیایند.
- ❖ ممنوعیت هرگونه دادوستد یا معامله با دارایی‌ها و منافع مسدودشده به موجب این دستور در داخل آمریکا یا به وسیله اشخاص آمریکایی که ارائه و دریافت هرگونه سهم از وجوه، کالا یا خدمات از/ به تحریم‌شدگان را هم در بر می‌گیرد.
- ❖ ممنوعیت هرگونه دادوستد از طرف هر شخص آمریکایی یا مقیم ایالات متحده که از رعایت ممنوعیت‌های این قانون سر باز زند؛ یا قصد سر باز

زدن داشته باشد؛ یا شروع به نقض آنها کند؛ یا برای نقض هر یک از ممنوعیت‌های مذکور توطئه کند.

❖ قرارگیری سایر اشخاص در این فهرست تحریمی؛ اگر به هر نحو با تحریم‌شدگان همکاری داشته باشند؛ یا به تروریسم و افراد تحریم‌شده بر اساس این فرمان اجرایی:

کمک کنند؛

پشتیبانی مالی کنند؛

حمایت مالی، مادی یا تکنولوژیکی ارائه دهند؛

خدمات مالی یا غیره در حمایت ارائه دهند.

همانگونه که مشهود است، تعابیر به کار رفته در فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ آنچنان کلی و فراگیر است که تقریباً هر چیزی را شامل می‌شود؛ خصوصاً این تعبیر مبهم که به هر نحو با تحریم‌شدگان همکاری داشته باشند! در واقع، دولت آمریکا با توشل به این ابهام (که از قضا می‌تواند ناقض متمم پنجم قانون اساسی هم باشد) تلاش کرده سایه‌ی ترس را بر کلیه کسانی که بخواهند کوچک‌ترین تعاملی با تحریم‌شدگان داشته باشند، بیافکند.

البته این ممنوعیت‌ها استثنائاتی نیز دارند که در بند ۵ دستور اجرایی مزبور (مبنی بر صدور مجوزهای خاص) یا ماده ۲۰۳(b) قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. مشخصاً بند ۱ و ۳ ماده‌ی قانونی اخیرالذکر به ترتیب مقرر می‌دارند که اختیارات اعطایی به رئیس‌جمهور شامل موارد زیر نمی‌شوند:

❖ «تنظیم یا ممنوعیت مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه ارتباط پستی، تلگرافی، تلفنی یا سایر ارتباطات شخصی که حاوی انتقال هیچ چیز با ارزشی نیستند.»

❖ «واردات یا صادرات هرگونه اطلاعات یا مواد اطلاعاتی از/به هر کشوری، خواه تجاری باشد یا نه، فارغ از قالب و وسیله‌ی انتقال، شامل ولی

نه محدود به نشریات، فیلم‌ها، پوسترها، صفحات گرامافون، تصاویر، میکروفیلم‌ها، میکروفیش‌ها، نوارها، لوح‌های فشرده، CD ROM ها، آثار هنری

❖ و خدمات الکترونیک خبررسانی.»

با عنایت به فزاین مختلف در این دو بند، علی‌الظاهر شبکه‌های اجتماعی نیز مشمول استثنائات مزبور می‌شوند. به شکل بسیار مهمی، توشل به همین استثنائات قانونی باعث شد که در پرونده‌ی «مرلند علیه ترامپ»^۱ (۲۰۲۰) دستور ترامپ با توشل غیرقانونی به قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی برای اعمال محدودیت علیه شبکه‌ی اجتماعی تیک‌تاک لغو متوقف شود. شاکیان در این دعوا که سه کاربر تیک‌تاک بودند، استدلال کرده بودند که محدودیت اعلامی به وسیله ترامپ در فرمان اجرایی ۱۳۹۴۲ خارج از صلاحیت‌های قانونی شناسایی‌شده برای رئیس‌جمهور به موجب قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی بوده و همین‌طور متمم اول و پنجم قانون اساسی را نیز نقض می‌کند.

در نهایت وندی ویتل‌استون^۲ قاضی دادگاه فدرال پنسیلوانیا ضمن تأیید مطالب شاکیان و با استناد به بند سوم از ماده‌ی ۲۰۳(b) حکم داد: «کنگره قبلاً اقدام متعادل‌کننده انجام داده و روشن ساخته است که توانایی رئیس‌جمهور برای اعمال صلاحیتش به موجب IEEPA در راستای پاسخ به شرایط اضطراری ملی شامل اقداماتی نمی‌شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم واردات یا صادرات مواد اطلاعاتی را تنظیم کنند...» بنابراین [صدور دستور برای جلوگیری از نقض استثنای IEEPA درباره‌ی مواد اطلاعاتی با این تصمیم کنگره سازگار خواهد بود.» (Marland v. Trump, 2020)

در همین رابطه در پرونده‌ی «شرکت تیک‌تاک علیه ترامپ»^۳ نیز کارل نیکلز^۴ قاضی منطقه‌ی واشینگتن دی‌سی نیز حکم مشابهی را درباره‌ی غیرقانونی بودن

1. Marland v. Trump
2. Wendy Beetlestone
3. TikTok Inc. v. Trump
4. Carl Nichols

راهکارهای رفع و خنثی‌سازی سانسور متا علیه سردار شهید قاسم سلیمانی

محدودیت‌های دولت آمریکا صادر کرد. با این تفاوت که استناد دادگاه این بار به بند اول ماده‌ی ۲۰۳(b) در تحریم‌ناپذیری ارتباطات شخصی‌ای است که «حاوی انتقال هیچ چیز با ارزشی نیستند.» قاضی نیکلز در حکم خود استدلال دولت آمریکا را در لایحه‌ی دفاعیه‌اش مبنی بر اینکه ارتباطات در بستر تیک تاک دارای ارزش بوده و اگر چنین نباشید نیز در هر حال به تیک‌تاک به عنوان پلتورم سود می‌رساند، رد کرده و استدلال می‌کند: «چنین خوانش گسترده‌ای از عبارت «هیچ چیز با ارزشی» ممنوعیت [تحریم] ارتباطات شخصی را از قانون خارج خواهد کرد. همه ارائه‌دهندگان خدمات ارتباطی - از ایستگاه‌های تلویزیونی و ناشران گرفته تا اپراتورهای تلفن همراه - از "حضور" کاربر در پلتفرم خود نوعی ارزش دریافت می‌کنند... بهتر است این بند به عنوان اشاره به انتقال پول (یا ارزش دیگر) به عنوان بخشی از خود ارتباطات شخصی باشد، نه انتقال ارزش به کسانی که ارتباطات را تسهیل می‌کنند.» (TikTok Inc. v. Trump, 2020)

آثار قرارگیری در فهرست FTO

به طور کلی، درج نام در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی، بیش از آنکه جنبه‌ی تحریمی داشته باشد، یک برچسب‌زنی نمادین است که آمریکا به وسیله‌ی آن تلاش می‌کند دشمنانش را بدنام کند. طبق ماده‌ی ۲۱۹ «قانون مهاجرت و ملیت»، اعلام یک نهاد به عنوان سازمان تروریستی خارجی و درج نامش در فهرست FTO در صلاحیت وزارت خارجه‌ی آمریکا بوده که این وزارتخانه برای لغو چنین اعلامی نیز اختیار تام دارد. از نظر قانونی، اعلام یک گروه به عنوان سازمان تروریستی خارجی آثار و محدودیت‌های زیر را به دنبال دارد:

- ❖ هرگونه ارائه‌ی «حمایت مادی»^۱ به آن، برای اشخاص در ایالات متحده قانوناً ممنوع بوده و جرم محسوب می‌شود.
- ❖ نمایندگان و اعضای آن در صورتی که خارجی باشند، در خاک آمریکا [غیرقابل پذیرش بوده و در برخی شرایط خاص، قابل اخراج از ایالات متحده هستند.
- ❖ هر مؤسسه‌ی مالی آمریکایی که مطلع شود بر وجوهی که سازمان مذکور

1. Material Support

یا نماینده‌اش در آنها ذینفع است، مالکیت یا کنترلی دارد، باید مالکیت یا کنترل بر این وجوه را حفظ کرده و وجوه مذکور را به اوفک گزارش دهد.

فارغ از ابعاد تبلیغاتی، مهم‌ترین اثر حقوقی درج نام یک سازمان در فهرست FTO، جرم تلقی‌شدن ارائه‌ی حمایت مادی به سازمان مزبور است. «قوانین حمایت مادی» (مواد ۲۳۳۹A و ۲۳۳۹B از فصل هجدهم قوانین ایالات متحده) در زمره‌ی قوانین ضد تروریسمی‌ای هستند که بیشترین تعقیب قضایی را در آمریکا به دنبال داشته‌اند. این دو ماده را می‌توان هسته‌ی اصلی تلاش‌های وزارت دادگستری این کشور برای تعقیب تروریستی دانست.

به طور کلی، ماده‌ی ۲۳۳۹A^۱ ارائه‌ی حمایت مادی را به جرایمی که ممکن است در زمینه‌ی تروریسم انجام شود، ممنوع ساخته و ماده‌ی ۲۳۳۹B^۲ نیز ارائه‌ی کمک به سازمان‌های تروریستی خارجی را ممنوع می‌کند. هر دوی این مواد بر مفهوم مشترکی تحت عنوان «حمایت مادی» (Material Support) تکیه دارند.

هم‌اکنون مطابق آخرین تغییرات ماده‌ی ۲۳۳۹A، ارائه‌ی عالمانه‌ی حمایت مادی یا مخفی‌کردن این حمایت برای جرایمی که یک تروریست انجام داده یا ممکن است قصد ارتکاب آن را داشته باشد، جرم بوده و در فرض کلی مرتکب به جزای نقدی و/یا حداکثر ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود. این ماده حمایت مادی را شامل هرگونه اموال و خدمات تعریف کرده که اگرچه موارد پزشکی و مذهبی را از آن مستثنی می‌کند؛ به تصریح دامنه‌ی گسترده‌ی زیر را دربرمی‌گیرد:

- ❖ ارز، اسناد پولی یا اوراق بهادار مالی
- ❖ خدمات مالی
- ❖ اسکان
- ❖ آموزش (به عنوان مثال، دستورالعمل یا آموزش طراحی‌شده جهت ارائه‌ی یک مهارت خاص، در مقابل اطلاعات عمومی)

1. 18 U.S. Code - 2339A - Providing material support to terrorists

2. 18 U.S. Code - 2339B - Providing material support or resources to designated foreign terrorist organizations

- ❖ مشاوره یا کمک تخصصی (به عنوان مثال، مشاوره یا کمک ناشی از دانش علمی، فنی یا دیگر تخصص‌ها)
- ❖ خانه‌های امن
- ❖ اسناد و مدارک شناسایی ساختگی
- ❖ تجهیزات ارتباطی
- ❖ امکانات
- ❖ تسلیحات
- ❖ مواد کشنده
- ❖ مواد منفجره
- ❖ پرسنل (یک نفر یا بیشتر که می‌تواند خود فرد را نیز در بر بگیرد)
- ❖ حمل و نقل

بر اساس ماده‌ی ۲۳۳۹B نیز ارائه‌ی عالمانه‌ی حمایت مادی به یک سازمان تروریستی یا توطئه و تلاش برای انجام آن، جرم‌انگاری شده و برای مرتکب، جزای نقدی و/یا حداکثر ۱۵ سال حبس در نظر گرفته شده است. تعیین دقیق دامنه‌ی اصطلاح حمایت مادی برای اهداف ماده‌ی ۲۳۳۹B همواره بحث‌برانگیز بوده است. با این حال در نسخه کنونی، بند و(۴) از ماده‌ی ۲۳۳۹B اعلام داشته است که این ماده نیز از تعریف موجود در ماده‌ی ۲۳۳۹B استفاده می‌کند و کلیه‌ی مصادیق ذکرشده در آن را در بر می‌گیرد.

حکم دیوان عالی ایالات متحده در پرونده‌ی «هولدر علیه پروژه‌ی حقوق بشردوستانه»^۱

هولدر علیه پروژه‌ی حقوق بشردوستانه، پرونده‌ای مشهور پیرامون مشروعیت قانونی مصوبه کنگره درباره‌ی ممنوعیت حمایت مادی به سازمان‌های تروریستی خارجی، خصوصاً از منظر متمم‌های اول و پنجم قانون اساسی آمریکا است. یک

1. Holder v. Humanitarian Law Project

طرف این دعوا، حکومت آمریکا به نمایندگی اریک هولدر^۱ دادستان کل ایالات متحده بود و طرف دیگر پروژهای حقوق بشردوستانه به همراه پنج سازمان دیگر و دو شهروند آمریکایی؛ سازمان‌ها و افرادی سال‌ها با هدف تقویت جنبه‌های قانونی فعالیت برخی از گروه‌هایی که تروریستی اعلام شده‌اند، به آنها مشاوره می‌دادند؛ مثلاً به «حزب کارگران کردستان»^۲ در ترکیه یا «بره‌های آزادی‌خواه تامیل ایلم»^۳ در سریلانکا.

این سازمان‌های بشردوستانه در سال ۱۹۹۸ با طرح شکایتی مدعی شدند که قانون حمایت مادی در ماده‌ی ۲۳۳۹۸ از اعتبار قانونی جهت جلوگیری از فعالیتشان برخوردار نیست (فعالیت‌هایی همچون آموزش اعضای این گروه‌ها برای استفاده از حقوق بین‌الملل جهت حل مسالمت‌آمیز منازعات، آموزش به آنها برای دادخواهی به سازمان ملل و نهادهای مشابه؛ و مشارکت در حمایت سیاسی از کردهای ساکن ترکیه و تامیل‌های مقیم سریلانکا). این سازمان‌های بشردوستانه معتقد بودند که قانون حمایت مادی از دو منظر مغایر با قانون و حقوق اساسی است؛ اولاً به دلیل نقض حق آزادی بیان و آزادی اجتماعات که در متمم اول قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته‌اند؛ زیرا این قانون بدون الزام دولت به اثبات قصد مجرمانه‌ی افراد برای پیشبرد اهداف غیرقانونی سازمان‌های مذکور، ارائه‌ی کمک به آنها را جرم‌انگاری کرده است. ثانیاً به دلیل نقض شرط قانونی بودن فرآیند دادرسی که در متمم پنجم قانون اساسی آمده است؛ به این خاطر که عبارت‌های قانون حمایت مادی به شکل غیرمجازی دارای ابهام هستند.

در نهایت پس از ۱۲ سال کشمکش در محاکم مختلف بر سر این پرونده که از قضا کنگره را نیز به انجام اصلاحاتی در متن قانون مزبور واداشت، بالاخره در سال ۲۰۱۰ تقاضای هر دو طرف دعوا از دیوان عالی ایالات متحده برای استماع این پرونده مورد موافقت قرار گرفت. دیوان عالی نیز در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۰ رأی خود را صادر کرد؛ رأیی ۶ به ۳ که در آن بخشی از حکم بدوی تأیید و بخشی نیز نقض گردید.

1. Eric Holder

2. Kurdistan Workers' Party (PKK)

3. Liberation Tigers of Tamil Eelam (LTTE)

در حکم دیوان عالی که به‌وسیله قاضی جان رابرتس^۱ به نیابت از نظر اکثریت نوشته و قرائت گردید، ضمن اعلام قانونی بودن مصوبه کنگره، اعتراض شکات مبنی بر مغایرت قانون حمایت مادی با متقم اوّل و پنجم قانون اساسی وارد دانسته نشد: «کنگره به دنبال سرکوب عقاید و نظرات در قالب «بیان سیاسی صرف» نبوده است؛ بلکه کنگره‌ی «حمایت مادی» را ممنوع کرده است که اغلب به هیچ عنوان در قالب بیان انجام نمی‌شود و هنگامی که این طور است، قانون با دقت ترسیم شده تا فقط دسته‌ی محدودی از بیان را پوشش دهد که به دستور، یا با همکاری گروه‌های خارجی‌ای باشند که گوینده می‌داند سازمان‌های تروریستی هستند... خواسته‌ی شاکیان برای صحبت با PKK و LTTE، و اینکه ممکن است آن را طبق ماده‌ی ۲۳۳۹B انجام دهند، به آنچه که می‌گویند بستگی دارد. اگر صحبت شکات با آن گروه‌ها یک «مهارت خاص» را منتقل کند؛ یا مشاوره‌ای را که از «دانش تخصصی» ناشی می‌شود انتقال دهد، ممنوع است (به عنوان مثال، آموزش استفاده از قوانین بین‌المللی یا دادن مشاوره پیرامون دادخواهی در سازمان ملل)».^۲ (Holder v. Humanitarian Law Project, 2010).

فارغ از کلیت این رأی، برخی تصریحات، ارجاعات و تفاسیر دیوان عالی که در متن حکم مذکور بازتاب یافته‌اند، می‌تواند به خوبی نسبت ممنوعیت حمایت مادی از سازمان‌های تروریستی را با تضمین حمایت از آزادی بیان در متمم اول قانون اساسی نشان دهد. از آنجاکه در پژوهش حاضر به دنبال آن هستیم که مشروعیت حذف سردار سلیمانی به‌وسیله متا را در قوانین آمریکا بررسی کنیم، در اینجا گزیده‌ای از مهم‌ترین بخش‌های مرتبط از این حکم خواهند آمد.

❖ دیوان عالی با تبیین وجود تمایز بین دو مفهوم «طرفداری مستقل»^۲ و ارائه‌ی حمایت مادی تشکیلاتی بیان می‌دارد که در قانون کنگره طرفداری مستقل از گروه تروریستی خارجی منع قانونی نداشته و آزاد است: «دامنه‌ی این قانون فقط حمایت مادی‌ای را که به دستور یا با هماهنگی یک سازمان تروریستی خارجی شناسایی شده، باشد دربرمی‌گیرد. طرفداری مستقل که ممکن است افزایش‌دهنده‌ی مشروعیت گروه تلقی شود، [به‌وسیله این

1. John Glover Roberts Jr.

2. Independent Advocacy

قانون [پوشش داده نمی‌شود... کنگره از هرگونه محدودیت در خصوص طرفداری مستقل، یا در واقع هرگونه فعالیتی که به دستور، با هماهنگی یا تحت کنترل گروه‌های تروریستی خارجی نیست، خودداری کرده است. (Holder v. Humanitarian Law Project, 2010)

❖ این دیوان در تفسیر ارائه‌ی «خدمت» و بیان مصادیق آن هم که از قضا یکی از چالش‌های تاریخی مصوبه کنگره بوده است، ممنوعیت مذکور را محدود به جایی می‌داند که رابطه‌ی مالی یا تشکیلاتی بین ارائه‌دهنده‌ی خدمت و سازمان تروریستی وجود داشته باشد؛ بنابراین حمایت مستقل از گروه تروریستی که بدون مزد و دستور است با هیچ‌گونه منع قانونی‌ای مواجه نیست. در حکم دیوان در این باره آمده است: «"خدمت" به فعالیت هماهنگ اشاره دارد، نه حمایت مستقل. صفحه ۲۰۷۵ سومین لغت‌نامه بین‌المللی نوین وبستر (۱۹۹۳) را ببینید (که «خدمت» را به معنای «انجام کاری که به‌وسیله دیگری دستور یا مزد داده شده باشد، تعریف می‌کند؛ وظیفه‌ی پیش‌خدمت: خدمت به مافوق»؛ یا «عملی که به خاطر سود یا دستور فرد دیگری انجام شود»). در اینجا کانتکست مؤید معنای عادی است. قانون مزبور (۲۳۳۹B(a)(۱)) ارائه‌ی خدمت «به سازمان تروریستی خارجی» را ممنوع می‌سازد. استفاده از کلمه «به» [to] نشان‌دهنده‌ی ارتباط بین این خدمت و گروه خارجی است. ما فکر می‌کنیم که یک فرد با هوش متوسط می‌فهمد که دفاع مستقل از یک هدف با ارائه‌ی خدمت به گروهی که از آن هدف حمایت می‌کند، تفاوت دارد... بنابراین، هرگونه حمایت مستقلی که شاکیان تمایل به مشارکت در آن داشته باشند، توسط ماده‌ی ۲۳۳۹B منع نشده است. (Holder v. Humanitarian Law Project, 2010)

❖ قضات دیوان در حکم خود صراحتاً این برداشت و ادعا که قانون حمایت مادی «بیان سیاسی صرف» را ممنوع کرده است، رد می‌کنند. این قضات با استناد به اذعان دولت ایالات متحده به چنین امری، قانون مصوب کنگره

1. to a foreign terrorist organization

را این‌چنین تفسیر کرده‌اند: «بر اساس قانون حمایت مادی، شاکیان می‌توانند درباره‌ی هر موضوعی هرچه می‌خواهند بگویند. آن‌ها می‌توانند درباره‌ی PKK و LTTE، دولت‌های ترکیه و سریلانکا، حقوق بشر و قوانین بین‌المللی آزادانه بنویسند و صحبت کنند. آن‌ها می‌توانند در برابر سازمان ملل متحد] از این گروه‌ها [طرفداری کنند. همان‌طور که دولت می‌گوید: «این قانون حمایت مستقل یا هیچ نوعی از بیان را ممنوع نمی‌سازد.» (صفحه ۱۳ لایحه دفاعیه دولت) همچنین ماده‌ی ۲۳۳۹B «مانع از عضویت [شاکیان] در PKK و LTTE نمی‌شود و یا به خاطر چنین کاری هیچ‌گونه تحریمی را بر آنها اعمال نمی‌کند.» (صفحه‌ی ۶۰ لایحه دفاعیه دولت). (Holder v. Humanitarian Law Project, 2010)

نتیجه‌گیری

به طور کلی، از آنجا که متا به عنوان مالک شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و فیسبوک، شرکتی خصوصی است، طبق دکترین اقدام دولتی، اعمال حذف در این سکوها نشر با سد متمم اول قانون اساسی آمریکا در حمایت از آزادی بیان مواجه نمی‌گردد؛ لذا از منظر قانونی قابل پیگیری نیست. با این حال، یافته‌های این پژوهش ثابت کرد که حذف متا علیه شهید سید قاسم سلیمانی و سپاه پاسداران نه یک حذف خصوصی، بلکه نمونه‌ای واضح از حذف دولتی بوده که طبق قوانین آمریکا ممنوع و قابل پیگیری قضایی است. در واقع، شرکت متا به رغم همراهی‌اش با نظام سیاسی آمریکا در پیشبرد اهداف سیاسی این رژیم، در مورد حذف سردار سلیمانی گاف‌هایی داده است که مشروعیت قانونی این حذف را با چالش مواجه می‌کند (بدون این اشتباهات حذف شهید سلیمانی به عنوان یک حذف خصوصی، مجاز و قانونی باقی می‌ماند).

نتایج حاصل از جمع‌آوری مواضع مقامات شرکت متا در این تحقیق گویای ادعان این شرکت به نقش دولت آمریکا در حذف مطالب مرتبط با سپاه و سردار سلیمانی است. چنین اعترافاتی که مشخصاً در حکم شواهدی از ارتکاب یک حذف دولتی است به این شرح است: اولاً متا صراحتاً بیان داشته که محدودیت‌های مذکور را به خاطر «الزام و وظیفه‌ی قانونی» در برابر دولت آمریکا وضع کرده و انجام

آن را برای دولت آمریکا «تضمین» می‌کند. ثانیاً این شرکت از وجود «همکاری با مقامات دولتی» در اعمال این محدودیت‌ها خبر داده است. ثالثاً مسئولان متا فاش کرده‌اند که «فهرستی از سازمان‌های تروریستی از سوی وزارت خارجه‌ی آمریکا» برای اعمال محدودیت به آنها ارسال شده و از آنها درخواست شده علیه حساب‌های کاربری ایرانی اقدام کنند. رابعاً شرکت متا این محدودیت‌ها را به تعهداتش در برابر قوانین تحریم‌های ایالات متحده و لزوم رعایت تحریم‌های سپاه، مستند ساخته است.

بررسی مقررات داخلی متا تحت عنوان «دستورالعمل‌های انجمن» در خصوص «افراد و سازمان‌های خطرناک» نشان داد که این شرکت در رویکردی بی‌سابقه در مقایسه با سایر شبکه‌های اجتماعی، از تاریخ ۸ اسفند ۱۳۹۸ تعاریف دولتی ایالات متحده از تروریسم را بر قواعد خود حاکم کرده است. متا در این مقررات با ادّعی وجود «تعهدات تحریمی» نسبت به دولت آمریکا، سازمان‌های تروریستی را شامل نهادها و افرادی دانسته که «از طرف دولت ایالات متحده به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی (FTO) یا تروریست‌های جهانی شناسایی‌شده به‌طور خاص (SDGT) اعلام شده‌اند.» از آنجا که نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هر دو رژیم تحریمی درج شده است، مقررات متا به این نهاد و اعضای آن اجازه حضور در سکوهای نشرش را نمی‌دهد و به علاوه، محتوای سایر کاربران در «ستایش، پشتیبانی اساسی و نمایندگی» از این سپاه یا فرماندهان، بنیانگذاران و اعضای برجسته‌اش را نیز ممنوع می‌داند. مشخصاً در خصوص ممنوعیت «ستایش» این مقررات با صراحت مانع از آن شده‌اند تا بتوان درباره‌ی سپهبد قاسم سلیمانی «مثبت» صحبت کرد؛ مثلاً ایشان را «شهید» نامید؛ با او «اعلام همسویی» کرد؛ اهداف وی را «تأیید» کرده و «مشروعیت» بخشید؛ یا درباره‌ی عملکرد ایشان «احساس موفقیت» را منتقل کرد. با این حال، متا ادّعا کرده است که خط‌مشی‌هایش همگام با قوانین بین‌المللی حقوق بشر «اجازه می‌دهد تا درباره‌ی حقوق بشری افراد شناسایی‌شده یا اعضای نهادهای خطرناک شناسایی‌شده بحث شود.» همین‌طور، «حمایت مسالمت‌آمیز به منظور نتایج سیاسی معین» نیز ممنوع نیست. به علاوه، «بحث بی‌طرفانه» هم در صورت اینکه چنین محتواهایی «نیتشان را به وضوح نشان دهند» مجاز است.

همین‌طور، مرور قوانین آمریکا در حوزه‌ی تروریسم آشکار ساخت که شناسایی سپاه و کادر آن به عنوان SDGT و FTO چه تحریم‌ها و محدودیت‌هایی را به دنبال داشته است. به موجب «قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی» و «فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴»، ارائه‌ی خدمات به اعضای سپاه به‌وسیله آمریکایی‌ها یا در آمریکا ممنوع بوده و همچنین افرادی که به آنها «کمک کنند» یا «خدمات مالی یا غیرمالی» به ایشان ارائه دهند نیز در فهرست تحریم‌ها قرار می‌گیرند. البته طبق قانون این محدودیت‌ها استثنائاتی نیز دارد و شامل اختیار «تحریم اطلاعات و مواد اطلاعاتی» و «تنظیم یا ممنوعیت مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه ارتباط پستی، تلگرافی، تلفنی یا سایر ارتباطات شخصی که حاوی انتقال هیچ چیز با ارزشی نیستند» نمی‌شود. بنابراین همان‌گونه که در شرح ماجرای تلاش ناموفق برای حذف آقای ظریف و آراء محاکم آمریکا در توقف ممنوعیت تیک‌تاک مشاهده کردیم، این استثنائات مانع از آن هستند که بتوان در خصوص شبکه‌های اجتماعی محدودیتی را اعمال کرد.

ضمناً، با اینکه به موجب مواد ۲۳۳۹A و ۲۳۳۹B از فصل هجدهم قوانین ایالات متحده، موسوم به «قانون حمایت مادی» هرگونه ارائه «حمایت مادی» شامل اموال و خدمات به سپاه توسط اشخاص در آمریکا ممنوع بوده و جرم محسوب می‌شود؛ اما هیچ‌کدام از تعابیر و مصادیق حصری ذکرشده به‌وسیله این قانون در تعریف ارائه‌ی «منابع و حمایت مادی» حضور یا انتشار مطلب در شبکه‌های اجتماعی را دربر نمی‌گیرد. در همین راستا، این مطالعه با بررسی رأی دیوان عالی ایالات متحده در پرونده‌ی «هولدر علیه پروژه‌ی حقوق بشردوستانه» و تفسیر این نهاد از «حمایت مادی» ثابت کرد که «بیان سیاسی صرف» و طرفداری از حاج قاسم سلیمانی و سپاه در شبکه‌های اجتماعی از منظر قانونی با ممنوعیتی مواجه نیست. در واقع، دیوان عالی با تبیین وجود تمایز بین دو مفهوم «حمایت مستقل» و ارائه‌ی حمایت مادی تشکیلاتی بیان می‌دارد که دامنه‌ی ممنوعیت قانون حمایت مادی «فقط حمایت مادی‌ای را که به دستور یا با هماهنگی یک سازمان تروریستی خارجی شناسایی شده، باشد دربرمی‌گیرد. طرفداری مستقل که ممکن است افزایش‌دهنده‌ی مشروعیت گروه تلقی شود، [به‌وسیله این قانون] پوشش داده نمی‌شود.» این دیوان در تفسیر «ارائه‌ی خدمت» نیز ممنوعیت آن را را

محدود به جایی می‌داند که رابطه‌ی مالی یا تشکیلاتی بین ارائه‌دهنده‌ی خدمت و سازمان تروریستی وجود داشته باشد؛ بنابراین، حمایت مستقل از گروه تروریستی که «بدون مزد یا دستور» است با هیچ‌گونه محدودیت قانونی‌ای مواجه نیست. ضمناً، به شکل جالبی قضات دیوان در رأی خود بخشی از مطالب لایحه‌ی دولت در این پرونده را مورد استناد و تأیید قرار می‌دهند که بیان می‌دارد این قانون «حمایت مستقل یا هیچ نوعی از بیان را ممنوع نمی‌کند» و مانع از «عضویت» افراد در سازمان‌های تروریستی نشده و «به خاطر چنین کاری هیچ‌گونه تحریمی را بر آنها اعمال نمی‌کند».

در مجموع، بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که قوانین آمریکا نفس حضور اعضای سپاه (از جمله سردار سلیمانی) در شبکه‌های اجتماعی و همچنین انتشار مطالب در حمایت از آنها را ممنوع نمی‌سازد؛ فلذا ادعای متا (یا دولت آمریکا) مبنی بر وجود «الزام و وظیفه‌ی قانونی» در این باره دروغین یا بی‌اساس است. در هر یک از این دو مورد، تصمیم‌گیری مستقل به‌وسیله شرکت‌ها مورد حمایت متّمّ اول درباره‌ی آزادی بیان بوده و رسانه‌های اجتماعی در این باره از اجبار دولتی یا تعقیب کیفری مصون هستند (همان طور که سایر رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر چنین محدودیت‌هایی را علیه شهید سلیمانی اعمال نکرده و با مشکلی هم مواجه نشده‌اند). بنابراین حذف متا علیه شهید سلیمانی و سپاه از آنجا که طبق شواهد ارائه‌شده در قالب دولتی و با نقض متّمّ اول رخ داده، غیرقانونی است. همچنین، این حذف در برخی از مصادیق محتوای منتشرشده به‌وسیله کاربران با مقرّرات داخلی متا نیز مغایرت دارد. مشخصاً لازم به ذکر است در حالی که شرکت متا تمامی مطالب منتشرشده ایرانیان را که اشاره‌ای به سپاه یا سردار سلیمانی دارد، حذف می‌کند، مقرّرات اعلامی متا این سه دسته مطلب را آزاد می‌داند: (۱) محتوای حاوی بحث بی‌طرفانه (و مثلاً خبری)؛ (۲) صحبت درباره‌ی حقوق بشری اعضای سازمان‌های خطرناک؛ (۳) حمایت مسالمت‌آمیز به منظور نتایج سیاسی معین.

پیشنهادها (راهکارها)

با توجه با ابعاد مخرب محدودیت‌های متا علیه شهید قاسم سلیمانی و سپاه، مجموعه‌ی راهکارهای زیر جهت رفع و خنثی‌سازی این حذف پیشنهاد می‌گردد^۱:

۱. در سطح قانونی با استفاده از مبانی و شواهد ارائه‌شده به‌وسیله پژوهش حاضر، از دولت ایالات متحده در محاکم این کشور به خاطر اعمال حذف دولتی و نقض متمم اول قانونی اساسی طرح شکایت شود. اگرچه این کاری است که از افراد عادی هم برمی‌آید؛ اقدام حساب‌شده در این باره از جهات مختلفی نیازمند بهره‌گیری از حقوقدانان متخصص و وکلای زبده در این کشور است.

۲. به علاوه، در خود شرکت متا نیز می‌توان بابت نقض غیرقانونی آزادی بیان و اعمال حذف‌های مغایر با مقررات داخلی شرکت، به «هیأت نظارت»^۲ شکایت کرد. هیأت نظارت یک نهاد بالادستی منصوب‌شده به‌وسیله شرکت متا بوده که قرار است به شکل مستقل بر تصمیمات گرفته‌شده در باره مدیریت محتوا در سکوهای نشر فیسبوک و اینستاگرام نظارت کند. این هیأت می‌تواند به درخواست‌های ارسالی کاربران رسیدگی کند و متا موظف است به صورت عمومی پاسخگوی تصمیمات این نهاد باشد. اعضای این هیأت علی‌الظاهر بیشتر حقوقدان و فعال حقوق بشر هستند که از میان آنها مثلاً می‌توان به شخصیت مستقل و معتبری همچون توکل کرمان (فعال اسلام‌گرای یمنی) اشاره کرد. تصمیمات هیأت نظارت متا تاکنون در مواردی شبیه به حذف سردار سلیمانی و سپاه، منجر به پذیرش اشتباه به‌وسیله متا و متعاقباً تغییر رویه آن شده است. از میان این موارد می‌توان به مورد حمایت از عبدالله اوجالان (رهبر گروه پ.ک.ک.) یا مورد بازنشر پست الجزیره در خصوص درگیری‌های فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی اشاره کرد. به نظر می‌رسد از آنجا که حذف اعمالی علیه کاربران ایرانی در مطالب مرتبط با شهید سلیمانی از منظر حقوق بشر و مقررات خود متا با چالش‌های متعددی روبه‌رو است، می‌توان از چنین نقاط ضعفی برای رفع مصادیق مهمی از این حذف

۱. اگرچه مقاله حاضر و راهکارهای پیشنهادی آن بیشتر جنبه حقوقی دارند اما توصیه می‌شود در عرصه‌های دیگر نیز با استفاده از نتایج این پژوهش مبارزه با حذف‌های متا را پیگیری کرد؛ به ویژه از طریق اقدامات رسانه‌ای، راه‌اندازی پویش‌های عمومی، امضای طومارهای مردمی و انجام پژوهش‌های علمی بیشتر.

2. Oversight Board

بهره برد.

۳. یک ظرفیت دیگر برای مقابله با حذف‌های متا، بهره‌گیری از امکان تثبیت درخواست «تجدیدنظر» در پلتفرم‌های متا در خصوص محتواها یا حساب‌های حذف شده است. اگرچه با توجه به سوگیری‌های سیاسی درون متا ممکن است این راهکار چندان مفید واقع نشود؛ می‌توان با ثبت این درخواست‌ها و بعد مستند ساختن اعتراضات بعدی به نتایج مثبت یا منفی حاصل از درخواست‌های مذکور، بیش از پیش از واقعیت حذف‌های اعمالی پرده برداشت.

۴. در سطح بین‌المللی، چه محدودیت‌های اعمالی علیه شهید سلیمانی مصداقی از حذف دولتی باشد؛ چه نباشد؛ در هر حال نمونه‌ای از نقض آشکار حقوق بشر و آزادی بیان است. ضمن اینکه، بر اساس حقوق بین‌الملل، زمانی که یک دولت برای تحقق منویات خود به نهادهای خصوصی متوسل می‌گردد، اقدام حاصل به عنوان اقدام دولت تلقی شده و بنابراین باید با تعهدات حقوق بشری دولت‌ها مطابقت داشته باشد. علاوه بر این، قوانین حقوق بشر دولت‌ها را ملزم و متعهد می‌داند که در چارچوب صلاحیت سرزمینی خود از افراد در برابر موارد نقض حقوق بشر محافظت کنند. فلذا از این جنبه نیز دولت آمریکا بابت نقض حق آزادی بیان به موجب این حذف مسئولیت بین‌المللی دارد. حال بر این اساس می‌توان از ظرفیت کلیه نهادهای جهانی مسئول در حوزه حقوق بشر از جمله سازمان ملل برای پیگیری حذف علیه شهید سلیمانی استفاده کرد.

۵. یک راهکار اساسی برای کاهش و خنثی‌سازی حذف‌ها، آگاهی‌بخشی به کاربران، رسانه‌ها و مجریان پویش‌های داخلی درباره‌ی حقوق آنان در اینستاگرام است. کلیه‌ی افراد باید متوجه شوند که طبق مقررات کنونی متا انتشار چه محتوایی درباره‌ی سردار سلیمانی یا سپاه مجاز و غیرمجاز است تا بر این اساس بتوانند اهداف تصمیم‌گیران سیاسی پشت صحنه‌ی این حذف‌ها را ناکام بگذارند. جزئیات مورد اشاره در بخش یافته‌های این مقاله می‌تواند به عنوان دستورالعملی در این رابطه به کار گرفته شود؛ مثلاً برای عبور از سد حذف‌ها نباید از کلمه‌ی شهید استفاده شود یا اخبار باید به صورت بی‌طرفانه و بدون کلماتی که بار ارزشی دارند، نوشته شوند. از همه مهم‌تر، امکان اعتراض به ترور سردار سلیمانی از منظر

نقض حقوق بشر است؛ امری که آزادی آن در مقررات داخلی متا مورد حمایت قرار گرفته است و در ماجرای پست آقای عماد الدین باقی نیز اینستاگرام مجبور شد مطالب ایشان را بازیابی کند. به طور خلاصه، باید با تمرکز بر مورد آقای باقی که در رسانه‌های جهانی نیز بازتاب یافته و انتشار محتواهایی که حاوی جملات مشابهی با پست ایشان است، حذفها را دور زد؛ و در صورت حذف مجدد مطالب از طرف اینستاگرام، می‌توان همین امر را در عرصه‌ی عمومی، حقوقی و رسانه‌ای به چالشی برای متا تبدیل کرد.

۶. اگر راهکارهای مورد اشاره به کار بسته شوند، آن وقت است که می‌توان به پشتوانه‌ی فشارهای حقوقی، سیاسی، رسانه‌ای و مردمی، در نهایت با شرکت متا وارد مذاکره شد تا روندهای خود را که از قضا در آنها الزام قانونی هم ندارد، اصلاح کند. در این راستا یکی از موارد مغفول که نیازمند پیگیری است بحث ناظرین و بازبین‌های فارسی متا است که عملکرد آنها نشان می‌دهد بیشتر این افراد به احتمال قوی از میان ایرانیان ضدانقلاب انتخاب شده باشند. در واقع، به طور کلی باید مسئولین متا را واداشت که در کلیه‌ی سطوح خود (از جمله تصمیم‌گیری، مقررات‌گذاری و اجرا) تخلفات و سوگیری‌های ضدایرانی را کنار بگذارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱- منابع فارسی:

- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰). «بیانات در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی».

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49260>

- الف (۱۳۹۹). «اینستاگرام پست ضرغامی را حذف کرد / اینبار وحشت از نام دختر سردار سلیمانی»

. <https://www.alef.ir/news/3990418087.html>

- ایرنا (۱۴۰۰). «فراخوان دبیر ستاد حقوق بشر در اعتراض به حذف پست‌های مربوط به شهید سلیمانی در اینستاگرام».

<https://www.irna.ir/news/84600185/>

- ایسپا (۱۴۰۰). «میزان استفاده‌ی شهروندان از رسانه‌های اجتماعی».

<http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2326>

- ایسنا (۱۳۹۸). «بیانیه‌ی مرکز ملی فضای مجازی در محکومیت اقدامات اینستاگرام».

<https://www.isna.ir/news/98012812746>

- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۹). «یک سال از ترور اینستاگرامی گذشت / حذف سردار سلیمانی بی‌جواب ماند».

<https://www.yjc.news/fa/news/7612499>

- تابناک (۱۳۹۸). «آخرین مهلت شکایت از اینستاگرام مشخص شد».

<https://www.tabnak.ir/fa/news/956268/>

- تسنیم (۱۴۰۰). «وزارت ارتباطات خطاب به مدیران متا و اینستاگرام: سانسور محتوای مرتبط با شهید سلیمانی را پایان دهید».

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/10/14/2638003>

- وطن امروز (۱۳۹۸). «فیلترینگ آمریکایی».

<https://www.vatanemrooz.ir/Newspaper/MobileBlock?NewspaperBlockID=208521/>

۲- منابع انگلیسی:

ABC. (2020, January, 14). Facebook admits censoring posts supporting slain Iranian General Qassem Soleimani. <https://www.abc.net.au/news/2020-01-15/instagram-bans-iranians-from-posting-about-soleimani/11864410>

BBC. (2019, April 17). Explainer: Iran Guards commanders blocked on Instagram after US blacklisting. <https://monitoring.bbc.co.uk/product/c200r9gi>

BBC Persian. (2020, January 4). Instagram Explains the Reason for Deleting the Posts Related to Qassem Soleimani. <https://www.bbc.com/persian/iran-50990988>

Brannon, V. C. (2019). Free speech and the regulation of social media content. Congressional Research Service, 45650, 1-43. https://www.everycrsreport.com/files/20190327_R45650_9f272501744325782e5a706e2aa76781307abb64.pdf

Bulletin of Atomic Scientists. (2020, January, 15). Facebook removes pro-Soleimani Instagram content, calling it support for terrorism. <https://thebulletin.org/2020/01/facebook-removes-pro-soleimani-instagram-content-calling-it-support-for-terrorism-laurance-tribe-aclu-say-fb-got-it-wrong/>

Coda Story. (2020, January, 11). Instagram shuts down Iranian ac-

counts after Soleimani's death. <https://www.codastory.com/authoritarian-tech/instagram-iran-soleimani/>

Facebook. (2022). Dangerous Individuals and Organizations. Retrieved April 5, 2022, from <https://transparency.fb.com/policies/community-standards/dangerous-individuals-organizations>

France24. (2019, April 16). Instagram accounts of Iran Guards commanders blocked. <https://www.france24.com/en/20190416-instagram-accounts-iran-guards-commanders-blocked>

Gorwa, R., Binns, R., & Katzenbach, C. (2020). Algorithmic content moderation: Technical and political challenges in the automation of platform governance. *Big Data & Society*, 7(1), 2053951719897945. <https://doi.org/10.1177%2F2053951719897945>

Holder v. Humanitarian Law Project, 561 U.S. 1, 130 S. Ct. 2705, 177 L. Ed. 2d 355 (2010). Available at <http://www.supremecourt.gov/opinions/09pdf/08-1498.pdf>

Land, M. K. (2019). Against privatized censorship: proposals for responsible delegation. *Va. J. Int'l L.*, 60, 363. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3442184>

Marland v. Trump, 498 F. Supp. 3d 624 (E.D. Pa. 2020).

Marsh v. Alabama, 326 U.S. 501, 66 S. Ct. 276, 90 L. Ed. 265 (1946).

PruneYard Shopping Center v. Robins, 447 U.S. 74, 100 S. Ct. 2035, 64 L. Ed. 2d 741 (1980).

RFE/RL. (2019, April 17). Instant Ban For Iran's IRGC On Instagram: Social-Media Giant Blocks Commanders' Sites. <https://www.rferl.org/a/instant-ban-for-iran-s-irgc-on-instagram-social-media-giant->

[blocks-commanders-sites/29886908.html](https://www.blocks-commanders-sites/29886908.html)

TikTok Inc. v. Trump, 490 F. Supp. 3d 73 (D.C. 2020).

VanLandingham, R. E. (2017). Jailing the Twitter bird: Social media, material support to terrorism, and muzzling the modern press. *Cardozo L. Rev.*, 39, 1. <https://ssrn.com/abstract=2953309>

Vice News. (2020, January, 14). How Instagram and GoFundMe Got Tangled Up in U.S. Sanctions Against Iran. <https://www.vice.com/en/article/n7jnwg/how-instagram-and-gofundme-got-tangled-up-in-us-sanctions-against-iran>

Voice of America. (2019, August, 27). US Silent on Ousting of Iran's Sanctioned FM Zarif From Social Media. <https://www.voanews.com/middle-east/voa-news-iran/us-silent-ousting-irans-sanctioned-fm-zarif-social-media>

Washington Times. (2020, January, 11). Facebook says U.S. sanctions responsible for removal of pro-Soleimani posts from Instagram.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی